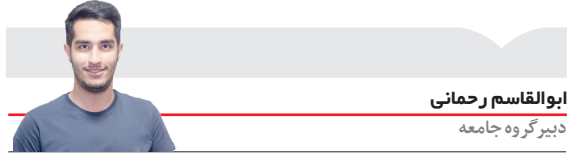


آبادر آموزش و پرورش کسی به فکر نیروی متخصص مهدکودک‌ها هست؟

# اول فکری به حال کادر مهدکودک‌ها کنید



ابوالقاسم رحمانی  
دبیر گروه جامعه

بالاخره بعد از سال‌ها، تکلیف تولیت و مدیریت مهدهای کودک و تربیت و آموزش کودکان در سنین پیش از دبستان مشخص و به وزارت آموزش و پرورش واگذار شد. بعد از سال‌ها کشمکش و فراز و فرود بین وزارت آموزش و پرورش و بهزیستی به‌عنوان متولی و نهاد مسئول مهدهای کودک، دوروز پیش شورای عالی انقلاب فرهنگی این گره قدیمی را باز کرد و مسئولیت را به وزارتخانه آموزش و پرورش واگذار کرد. این تصمیم و این واگذاری و بار مسئولیتی جدی بر دوش آموزش و پرورش از چند منظر قابلیت تحلیل و بررسی و مثل بسیاری دیگر از مسائل، هم و جوه مثبت و هم وجوه منفی دارد. به‌هرحال مدل تربیت و نگهداری و تولیت کودکان پیش از ورود به دبستان و آغاز روند تحصیلی آنها به قبل از این تغییرات همواره

محل ایراد و انتقادات جدی بود و علی‌رغم اینکه بهزیستی هرگز زیربار کاستی‌ها نرفت و از مدل مدیریتی اش در این مورد دفاع می‌کرد، شاهد کمبودها و حواشی زیادی بودیم. حواشی‌ای که هم وجوه آموزشی و تربیتی را دربر می‌گرفت و هم به مسائل مالی و نوع مدیریت این سازمان مربوط می‌شد. حالا اما شاید به‌نوعی این تغییر مدیریت امیدواری‌هایی را ایجاد کرده باشد، اما نقاط کور و سوالات زیادی وجود دارد که آیا آموزش و پرورش با وجود مدل مدیریتی موجود در آن و وظایف سنگین و خطیری که همواره بر دوش داشته است، از پس این مسئولیت جدید برمی‌آید یا نه؟ سخن گفتن و ادا کردن، همیشه راحت‌ترین نوع مواجهه با مسائل بوده است، اما آن چه در عمل حاصل می‌شود، معمولاً فاصله زیادی با ادعاها و اظهارات دارد. پیرو همین مساله و این تصمیم جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی در تغییر نوع مدیریت و تولیت مهدهای کودک، نگاهی تحلیلی به آنچه در انتظار نظام آموزشی کشور خواهد بود انداخته‌ایم تا شاید تصویر بهتری از آینده کودکان و پروسه آموزشی آنها داشته باشیم.

## مسیر تغییر مدیریت و مسئولیت مهدهای کودک

اوان کودکی را هم به آموزش و پرورش بدهند و آموزش و پرورش از صفر سالگی مسئولیت داشته باشد، در نگاه نخست شاید این اخبار و اظهارات، امیدوارکننده و مثبت به نظر برسد. اما وقتی به واقعیت‌های موجود در نظام آموزشی کشور کمی فکر می‌کنیم، نگرانی‌ها خودشان را نشان می‌دهند. نگرانی‌هایی که این چالش را در ذهن ایجاد می‌کنند که آیا وزارت آموزش و پرورش با این همه چاله و مشکلات و مصائبی که دارد روز به روز عمیق‌تر هم می‌شود، از پس این مسئولیت جدید برمی‌آید؟

جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تأسیس مرکز ملی در حوزه تعلیم و تربیت کودک و ساماندهی مدیریت مهدکودک‌ها به تصویب رسید و بر این اساس مقرر شد که مسئولیت حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی، مدیریت و همچنین نظارت و ارزیابی مهدکودک‌ها به وزارت آموزش و پرورش واگذار شود. مضاف بر این تصمیم و تغییر، محسن حاجی‌میرزایی، وزیر آموزش و پرورش هم در نشست هم‌اندیشی با مدیران زن آموزش و پرورش گفت: «در شورای عالی انقلاب فرهنگی این موضوع در دستور کار است که تربیت

خود، باشیوه‌خاص خود. وقتی که مامی گویم برای مهدکودک‌ها برنامه داشته باشید، به طریق اولی پیش دبستانی‌ها [اهمیت پیدایم می‌کنند]. پیش دبستانی هم جای بسیار مهمی است، آنجا هم فکر لازم دارد، باید فکر کنید، برای آن برنامه فراهم بکنید و [برای] بچه‌ها که حالا به‌طور طبیعی همه از پیش دبستانی عبور می‌کنند - که سابق [این جور] نبود- این را جوری [اداره] بکنید که ان شاءالله اینجا بتوانند از این فرصت استفاده کنند.» حالا و با گذشت چند وقتی از این سخنان رهبری، چند روز پیش در

دستگاه‌های مختلف دولتی با هم در این زمینه بگویم دارند که این بگویم‌ها باید برطرف بشود؛ وانگهی وقتی که دستگاه‌ها شما رها بگذارید، دیگران می‌آیند بچه‌های مردم را می‌گیرند، می‌برند آنجا و تربیت‌های غلط داده می‌شود. گزارش‌های بسیار بدی بنده دریافت کردم از بعضی از مهدکودک‌ها که واقعا نگران‌کننده است. اداره کنید مهدکودک‌ها را. مهدکودک هم فقط یک مرکز خدماتی نیست که بچه را حفظ کنند و خدمت بدهند، [بلکه] ایه یک معنا مرکز آموزشی و پرورشی است، منتها خوب با زبان خاص

بعد از سخنان رهبر انقلاب در اجلاس سالانه مدیران آموزشی کشور در رابطه با مسئولیت آموزش و تربیت کودکان پیش از دبستان بود که ماجرای تعیین تکلیف مهدهای کودک دوباره داغ شد و زمزمه‌هایی مبنی بر تغییر نهاد مسئول و مدیریت آنها به گوش رسید. رهبری در ارتباط تصویری با مدیران آموزشی کشور حاضر در این اجلاس سالانه فرمودند: «یک مساله، مساله مهدکودک‌ها و پیش دبستانی‌ها است. مهدکودک‌ها متأسفانه رها است؛ مهدکودک‌ها هم ذیل آموزش و پرورش است. اولاً

## چالش‌های پیش‌روی آموزش و پرورش با مسئولیت جدید

داد که بعد از این تغییر تولیت، وضعیت مهدهای کودک بهتر خواهد شد و از آن ریل قبلی و مسیری که طی این سال‌ها پیموده است، خارج می‌شود. بهتر این است که تحلیل و تشریح آنچه را در ادامه بر نظام آموزشی کشور خواهد گذشت در توضیحات کارشناسان بخوانیم. پیرو همین با حجت‌الله نبیادی، کارشناس آموزشی و مدرس دانشگاه فرهنگیان گفت‌وگویی انجام دادیم.

آموزش و پرورش منتشر نشده و مشخص نیست دقیقاً با تکیه بر چه توان و پتانسیلی این مسئولیت جدید بر دوش این وزارتخانه انداخته شده است. این سوالات به‌علاوه چندین و چند پرسش و ابهام دیگر همه حول تصمیم جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد که تا پاسخ آنها شنیده نشود، هر قدر هم که این تصمیم و تغییر خوب و الزامی باشد، نمی‌توان به‌طور قاطع از آن دفاع کرد و ضمانتی

سرخاراندن را هم از مدیران نظام آموزشی کشور بگیرد. به‌علاوه اینکه، پیش از این هم وزارت آموزش و پرورش مسئولیت تولید محتوای آموزشی مهدهای کودک را برعهده داشته است و هیچ اهمیتی به آن نداشته و به گفته مدیران بهزیستی تا به حال این وزارتخانه مسئولیتش را انجام نداده است. در جریان این واگذاری مسئولیت مهدکودک‌ها هم هیچ برنامه و خبری از میزان آمادگی و ظرفیت‌های

کمبود معلم، ضعف در تولید محتوای آموزشی مطلوب، بودجه ناکافی، به سرانجام نرسیدن سیاست‌های کلان و تعمیق شکاف و توسعه بی‌عدالتی آموزشی و مسائلی از این دست، چالش‌هایی جدی است که پیش‌روی مدیران آموزشی کشور قرار دارد؛ چالش‌هایی که هر کدام از آنها حتی به‌تنهایی می‌تواند تمام ظرفیت‌های این وزارتخانه را به‌خود معطوف و مشغول کند و حتی فرصت

## برای اداره مهدکودک یا هر محفل آموزشی مهم‌ترین مولفه تربیت نیروی انسانی است

چون اصلاً طراحی نکرده‌ایم حتی الگوی شایسته یک مربی کودک را طراحی نکرده‌ایم. می‌گوییم مهدکودک چه استانداردهایی باید داشته باشد، مربی باید چه استانداردهایی داشته باشد، محتوا باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد اما واقعیت این است که هیچ‌یک از این موارد معین نشده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی در جایگاه و مصوبات خود باید کاملاً تجدیدنظر کند. درحال حاضر اتفاق جدیدی رقم نزده است. این شورا به‌عنوان بخشی از قوه مجریه است و اگر سیاستگذاری در این شورا انجام می‌شود در دل قوه مجریه است.»

است و در آموزش غیررسمی جایگاه مربی و جایگاه آموزش دهند و معلم مهم است، چون در هیچ کدام از این تکالیفی که شورای عالی انقلاب فرهنگی معین کرده است برای تربیت نیروی انسانی و مربی برای مهدکودک‌ها چاره‌اندیشی نکرده‌اند، اتفاق مثبتی رخ نمی‌دهد. مضاف بر اینکه آموزش و پرورش همین الان در تربیت نیروی انسانی برای مدارس خود دچار مشکل است و نمی‌تواند نیروی انسانی را تربیت کند. ما بخواهیم یکسری مقررات وضع کنیم که نتوانیم آنها را اجرا کنیم نپایان باید بگوییم مربی مهدکودک این ویژگی‌ها را داشته باشد و هیچ‌یک محقق نمی‌شود،

این مصوبه را گذرانده است، به‌نظم این مصوبه نه تنها گره‌ای را باز نمی‌کند، بلکه بر آن ابهام و سردرگمی می‌افزاید. برای اداره مهدکودک یا هر جای آموزشی مهم‌ترین مولفه تربیت نیروی انسانی شایسته برای آن است. تا زمانی که نیروی انسانی تربیت نکنیم، هیچ اقدام موفقی نمی‌توانیم انجام دهیم، یعنی محتوای مهدکودک درصد جزئی از کار است. منش، رفتار، شیوه برخورد، سن و شرایط دیگری که مربیان مهدکودک و پیش دبستانی دارند ۹۰-۸۰ درصد مساله است و پنج درصد محتوای آموزشی است. در آنجا بحث آموزش رسمی مطرح نیست، آموزش کاملاً غیررسمی

بنیادی در رابطه با تصمیم اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط با مهدهای کودک به «فرهنگستان» گفت: «در سیاست‌های ابلاغی سال ۹۲ اعلام شده که آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین تولید سرمایه انسانی و تربیت منابع انسانی از مهدکودک تا دانشگاه است. نظام را یکپارچه دیده‌اند. بین وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش مرزی قائل نشده‌اند. این تکلیفی بود که در سال ۹۲ برای همه دستگاه‌های مقننه، مجریه و قضائیه معین کردند. این تکلیف و سیاست کلان تا امروز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. روز گذشته که شورای عالی انقلاب فرهنگی

## اضافه شدن مهدکودک‌ها بدون تخصیص اعتبار و تامین زیرساخت‌ها مشکلات آموزش و پرورش را زیادتر می‌کند

پیش دبستانی دارند. قیل از سند تحول مدارس ابتدایی پنج پایه داشتند و الان به‌نوعی هشت پایه شده است. این معضلات و مشکلاتی که برای دانش‌آموزان ایجاد می‌شود به‌خصوص برای دانش‌آموزان پیش دبستانی حاد و خطرناک است، بنابراین شورای عالی انقلاب فرهنگی خیلی از ابعاد این مساله مهم را ندیده است و به‌نوعی تکلیفی معین کرده که شورای عالی آموزش و پرورش هم به‌دلیل سابقه‌ای که داشته ورود موفقی به این حوزه نخواهد داشت و مساله‌ای می‌شود که اتفاق مثبتی در آن رخ نمی‌دهد و فقط شاید نظارت کژدار و مربیزی که بهزیستی بر اینها داشت و حمایت‌هایی از مهدکودک‌ها می‌کرد، حذف می‌شود.»

در روستاها و مناطق محروم نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم، بنابراین بخشی را باید دولت امکانات اولیه بدهد و زیرساخت‌ها را فراهم کند و بخشی از هزینه‌های جاری را از مردم کمک می‌گیرد، چون آموزش غیررسمی است و الزام و اجباری نیست، ولی وقتی آموزش و پرورش این فضا را ندارد حتی برای آموزش رسمی فضای مطلوب ندارد، ۶ پایه ابتدایی را کنار هم قرار داده است، قطعاً اضافه شدن مهدکودک‌ها بدون تخصیص اعتبار و تامین زیرساخت‌ها برای تامین نیروی انسانی مشکلات آموزش و پرورش را زیادتر می‌کند. در بخش غیردولتی هم وضعیت ما وخیم است. خیلی از مدارس غیردولتی مان چون پیش دبستانی دارند ۶ پایه دبستان و دو دوره

مسئول دوره آموزش ابتدایی بداند که اگر یک روستایی مدرسه‌ای دارد در کنار آن دو کلاس پیش دبستانی و مهدکودک هم داشته باشد و در کنار آموزش دیگر کودکان باید رخ بدهد. مساله دیگر این است که آموزش و پرورش مطابق سند تحول باید دوره ابتدایی را به دو دوره سه‌ساله تقسیم می‌کرد، یعنی مدارس سه‌ساله اول (اول، دوم، سوم) و سه‌ساله دوم مدرسه جداگانه‌ای می‌شدند که هنوز این اتفاق نیفتاده است، یعنی آموزش و پرورش از بابت تامین فضا نتوانست این کار را انجام دهد. وقتی در این سمت این میزان مشکلات وجود دارد، برای مهدکودک هم فضا باز کنیم؟ مهدکودک صرفاً بحث غیردولتی نیست، چون

باید این استانداردها را در فضای خود داشته باشند. از بابت مبلمان، اندازه اتاق‌ها، نور آنها، محوطه بازی، امکانات، اسباب‌بازی و... باید تامین باشد. آنجا آموزش غیرمستقیم است و اینکه چه اسباب‌بازی و چه روشی را به کار بگیرند، بسیار مهم است. محتوای مطلوب خیلی مطرح نیست. اینها هیچ کدام شفاف نشده است و قطعاً آموزش و پرورش با این مرکز حالت موازی کاری و ابهام کاملی ایجاد می‌کند و عملاً توفیقی حاصل نمی‌شود. تشکیلات ۱۰ نفره یا ۵۰ نفره در وزارتخانه بگذاریم اتفاقی نمی‌افتد. باید در جاهایی که پشتیبانی‌های لازم را از این مهدکودک‌ها می‌کنند، آلازم داشته باشیم، یعنی در آموزش و پرورش منطقه،

این مدرس دانشگاه فرهنگیان در ادامه به روند و اهمیت تربیت نیروی انسانی و مربی برای مهدهای کودک در آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «باید برای دستگاه‌های تابع قوه مجریه یک سیاستگذاری مدون و درست انجام شود، مثلاً دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان متولی تربیت نیروی انسانی نظام آموزشی کشور، امکانات بیشتری را داشته باشد تا تربیت مربیان پیش دبستانی انجام گیرد. هر سال مکلف باشد ۲۰ هزار، ۵۰ هزار و... مربی پیش دبستانی تربیت کند تا به استاندارد مطلوب دست یابیم. سازمان نوسازی هرکسی که مجموعه مهدکودک و پیش دبستانی دارد، آنهایی که خارج از فضای آموزش و پرورش هستند،

## موازی‌کاری آفت سیاستگذاری فرهنگی

از این وضعیت مجلس باید معین کند قانونگذاری کلی برعهده مجلس است. مقام معظم رهبری این را تأکید کرده‌اند. حیطه تصمیمات اختیارات شورای انقلاب فرهنگی برای این چهار امر است و به امور دیگر نباید دخالت کند. هیات وزیران جایگاه مشخصی در قانون اساسی دارد و برخی از اختیارات را مجلس می‌تواند به هیات وزیران بدهد. تکلیف و حیطه اختیاراتی که شورای عالی آموزش و پرورش دارد باید نسبت به شورای عالی انقلاب فرهنگی مرزبندی شود. آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند درباره برگزاری آزمون در آموزش و پرورش ورود مستقیم داشته باشد؟ به‌نظم این صحیح نیست.»

شورای عالی انقلاب فرهنگی حالت انفعال دارد، چون مجلس هم به این بحث ورود پیدا کرد. مجلس در فرآیند بازنگری قانون مدارس غیردولتی به بحث مهدکودک‌ها پرداخته بودند، منتها بحث مهدکودک‌های غیردولتی بود. آنجا مجلس ورود پیدا کرد و الان رقابت منفی و بی‌معنی بین مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی رخ داده است. آخرین حرفی که وجود دارد، سیاست‌های کلی قانونگذاری را مقام معظم رهبری در سال ۹۸ ابلاغ کردند. در آن سیاست‌ها اعلام کردند مجلس نسبت به تبیین و ترسیم جایگاه هر یک از مراجع قانونگذاری اقدام کند، یعنی مجلس متولی این کار است. به‌نظم برای برون‌رفت

عالی انقلاب فرهنگی در برخی حیطه‌ها مغلظ است. این چند مرجعی را فراوان داریم. شورای آموزش و پرورش را داریم که رئیس آن رئیس جمهور است. اگر بناست درباره آموزش و پرورش تصمیم‌گیری شود قطعاً مرجعیت شورای عالی آموزش و پرورش خیلی بیشتر از شورای عالی انقلاب فرهنگی است، چون قانون برای تشکیل این شورا داریم؛ قانونی که مجلس مصوب کرده است. برای شورای عالی انقلاب فرهنگی چنین قانونی نداریم. اینها آسیب‌زاست. مگر می‌شود برای اداره یک مجموعه دورئیس داشت و دو مجموعه تصمیم‌گیر باشند؟ این برخلاف مصالح ملی است و به‌نوعی موازی‌کاری و تشتت را ایجاد می‌کند.

جایگاه این شورا ندارد. باید ببینیم که مجلس به‌عنوان بالاترین مقام سیاستگذار کشور، به‌عنوان قانون‌گذار کشور در راس همه مراجع دیگر است و هیچ مرجع دیگری نمی‌تواند خود را به موازات مجلس شورای اسلامی قرار دهد، بنابراین این سهم ناصحیحی است و این سهم در مجموع باعث آسیب به منافع ملی می‌شود و چه‌بسا شده است. دبیر شورای انقلاب فرهنگی باید از دسته‌بندی سیاسی کاملاً به‌دور باشد و دستور کاری که برای شورا می‌برد در راستای خدمت‌رسانی به مردم و کشور باشد. به‌نظم برخی نهادهای یک زمانی ضرورت دارد باشند، ولی بعد از مدتی حضور آنها زائد و مغل می‌شود. ورود دبیرخانه شورای

بنیادی در تحلیل شرایط و جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی در تبیین و تعیین خطمشی‌های نظام آموزشی کشور خاطر نشان کرد: «شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌نظم من، یک تجدیدنظر اساسی باید در جایگاه خود داشته باشد. الان دو مصوبه اخیر که این شورا داشته به‌نظم من حرفی تکراری است که بیان شده و هم بحث سیاست‌های جذب معلم را مقام معظم رهبری اعلام کرده بودند که مسیر آن دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی است. شورا همان را تکرار کرد و هم بحث مهد کودک است. این بحث در سیاست‌های کلی تحول بیان شده است، بنابراین این شورا به‌خصوص دبیرخانه‌اش هنوز فهم درستی از